دست بالاتر دموکرات‌ها در رسانه و سینما

جریان‌شناسی رسانه‌ها و حامیان هنری بایدن و ترامپ در انتخابات ۲۰۲۰

میلاد جلیل‌زاده
روزنامه‌نگار

وقتی رسانه‌های خبری و هنری آمریکا را که هواداران هرکدام از دو جناح سیاسی اصلی در این کشورند بررسی می‌کنیم، به‌نظر می‌رسد در سینما کفه ترازو به‌نفع دموکرات‌ها سنگین‌تر باشد و البته در حوزه رسانه‌های خبری هم که هر دو جناح حامیان مخصوص به خودشان را دارند، باز می‌بینیم وضع به همین شکل است. دلیل اصلی چنین وضعی شاید این باشد که ماجرای ترامپ از جهات مختلفی با دیگر روسای‌جمهور آمریکا فرق می‌کند. او نه‌تنها باعث بزرگ‌ترین بسیج سینمای آمریکا علیه یک رئیس‌جمهور در تاریخ این کشور شد، بلکه در رسانه‌ها هم تا حدی اکثر فعالان صحنه را علیه خود دید که او از آنها قطع امید کرد و حملات شدیدالحنش علیه رسانه‌ها زبانزد شد. وقتی در سال ۲۰۰۴، جورج بوش پسر برای دور دوم ریاست‌جمهوری‌اش آماده کارزار انتخاباتی می‌شد، سینمای آمریکا هرچه در توش و توان داشت را برای کوبیدن بوش و گفتمان جنگ‌های صلیبی که ابزار اصلی او برای رفتن مجدد به کاخ سفید بود، به کار بست. همین‌جا عده‌ای از ناظران بیرونی تصور کردند که سینمای آمریکا به‌واقع ضدجنگ و به‌طور کل ضدغارتگری از کشورهای دیگر است درحالی که اصل قضیه به یک رقابت جناحی در نقشه سیاست داخلی ایالات متحده برمی‌گشت.

از مهم‌ترین فیلم‌هایی که همان دوره در این زمینه ساخته شد، می‌شود به مستند «فارنهایت ۹/۱۱» ساخته مایکل مور اشاره کرد. این فیلم علنا از دموکرات‌ها علیه جمهوری‌خواهان دفاع می‌کرد و مثلا زنی آمریکایی را نشان می‌داد که پسرش در عراق کشته شده بود و می‌گفت حالا من دیگر کاملا یک دموکرات شده‌ام. اکثر این آثار افسون و افیون رسانه‌های بوش را مورد حمله یا نقد قرار می‌دادند. اما حالا یک جمهوری‌خواه دیگر در کاخ سفید است که برخلاف بوش، همه رسانه‌ها را علیه خودش می‌بیند. غیر از اینها هم ترامپ بین سلبریتی‌ها محبوب نیست و تنها حمایت تعدادی از ورزشکاران و تعداد انگشت‌شمار و کم‌فروغی از مترپیشه‌ها را در کمپین خود دارد که شاید مشهورترین‌شان کسی مثل کلینت ایستوود باشد که او هم بدون نام بردن از ترامپ، به‌طور غیرمستقیم از گفتمانی حمایت می‌کند که جا افتادن آن به‌نفع اوست. اما رسانه‌های هواداران ترامپ، یعنی همان‌ها که قبل از او هم مواضع تبهیکال و تندخوی جمهوری‌خواه داشتند، عموما به فاشیسم متهم می‌شوند. عمده‌ترین خصوصیات این رسانه‌ها در ماه‌های منتهی به انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا، جدی نگرفتن و به رسمیت نشناختن پاندمی ویروس کروناست. آدم‌های عاقل از دیدن و شنیدن چنین چیزی متعجب می‌شوند؛ اما هستند و اتفاقا زیاد هم هستند کسانی که در سرتاسر دنیا اساسا منکر وجود ویروسی به نام کرونا می‌شوند و می‌گویند اینها همه جزء بازی‌های سیاسی و اخبار کذب رسانه‌هاست. این را شاهد بودیم که در همین چند مدت گذشته، عده زیادی از افراد در اسپانیا و آلمان علیه مقررات فاصله‌گذاری اجتماعی تظاهرات کردند. سازمان‌دهندگان اصلی چنین تظاهراتی گروه‌های فاشیسم و راست افراطی اسپانیا و آلمان بودند. پیش از آنها در آمریکا هم چنین تجمعاتی شده بود که عمدتا به گروه‌های اجتماعی هواداران ترامپ برمی‌گشت. اینکه بین فاشیسم و منکرشدن وجود ویروس کرونا چه ارتباطی هست، بحثی مفصل و دقیق می‌طلبد؛ اما قضیه هرچه هست، به هر حال ترامپ ماسک نمی‌زند و رسانه‌های حامی او هم کرونا را جدی نمی‌گیرند و به زور و با اکراه اخبار مختصری در این رابطه منتشر می‌کنند. اما در جبهه مقابل، یعنی در اردوگاه دموکرات‌ها، رسانه‌ها در ماه‌های منتهی به انتخابات ریاست‌جمهوری چه ژستی گرفته‌اند؟ حرف حساب تمام آنها در «نه به ترامپ» خلاصه می‌شود؛ اما قضیه به این شکل نیست که آنها از بام تا شام نه به خود ترامپ مستقیما حمله کنند. برلنی سندرز که خودش جزء گزینه‌های حزب دموکرات برای ریاست‌جمهوری بود، دلایل نه گفتن به ترامپ را چنین برمی‌شمارد: «دست کم به این ۱۰ دلیل باید ترامپ را از طریق انتخابات عزل کرد. من می‌خواهم برای شما ۱۰ دلیل بیاورم که چرا ما با هم باید هر کاری که بتوانیم انجام دهیم تا بزرگ‌ترین میزان مشارکت رای‌دهندگان در تاریخ آمریکا را ایجاد کنیم و کاری کنیم که ترامپ وسایل خودش را از کاخ سفید جمع کند و کنار برود.

۱-دونالد ترامپ در بطن خود یک رهبر مستبد است و اعتقادی به دموکراسی ندارد. ۲-دونالد ترامپ قانون اساسی ایالات متحده را نمی‌فهمد یا احترامی به آن نمی‌گذارد. ۳-دونالد ترامپ یک دروغگوی بالفطره است. ۴-دونالد ترامپ اعتقادی به علم ندارد. ۵-سیاست‌های دونالد ترامپ به دوستان میلیاردرش سود می‌رساند و به نیازمندی‌های خانواده‌های طبقه کارگر حمله می‌کند. ۶-دونالد ترامپ، نژادپرست است. ۷-دونالد ترامپ، بیگانه‌ستیز است. ۸-دونالد ترامپ به تبعیض جنسی باور دارد. ۹-دونالد ترامپ یک فرد دارای تعصبات مذهبی است. ۱۰-دونالد ترامپ با جامعه هم‌جنس‌گرایان خصومت دارد.»

این نکات ده‌گانه، شکل‌دهنده شمایل رسانه‌های آمریکا در این ایام هم است؛ چه مضمون فیلم‌های سینمایی و سریال‌ها و موزیک‌ها و چه اخبار رسانه‌ها، روی همین مسائل تمرکز کرده‌اند. اما همچیز در دوگانه ترامپ و بایدن خلاصه نمی‌شود. اینکه رسانه‌های آمریکا و به‌خصوص سینمای آن (هنر سینما اعم از سریال‌سازی و فیلمسازی)، چه نسبتی با طریک آن دو جریان جمهوری‌خواه و دموکرات دارند، بحثی عمیق‌تر و ریشه‌ای‌تر است.

دموکرات‌ها و سینمای آمریکا

بیایید به جغرافیای سیاسی هالیوود یک نگاه کلی بیندازیم. حوزه انتخابیه بیست‌وهشتم کالیفرنیا یک حوزه انتخابیه مجلس نمایندگان آمریکاست که در ایالت کالیفرنیا قرار دارد. این حوزه انتخابی در لس‌آنجلس، به‌عنوان یک سنگر دموکرات در نظر گرفته می‌شود و درحال حاضر آدام شیف، دموکرات نماینده آن است. این منطقه شامل غرب هالیوود، برینک، بخش‌هایی از ایناسادنا، بخش‌هایی از مرکزی لس‌آنجلس، لاوئاچا و همچنین بخش‌هایی که قلمروان بندرهای اکویارک و دریاچه تقره‌ای، ولس قلیو می‌شود. در ضمن، حوزه انتخابیه بیست‌وهشتم کالیفرنیا شامل گلندیل و لامنستان کوچک هم است. بیشترین جمعیت ارمنی-آمریکایی در این ناحیه حضور دارد (حدود ۷۰ هزار نفر) و همچنین این منطقه شامل دو مورد از مهم‌ترین محلات مهاجرنشین بازرگانی در جنوب کالیفرنیا، یعنی هالیوود غربی و ویلشایر است. پیش از این، از ژانویه ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۳، این ناحیه شامل نیمی از دره سان فرناندو، ارجمله هالیوودشمالی، در منطقه بزرگ لس‌آنجلس بود. می‌بینیم که قلب سینمای آمریکا درون چه قفسه‌ای قرار گرفته است. هالیوود به‌تنها محله‌ای است که بخشی از آن پانتوق‌الحی همجنس‌بازان است، بلکه رانیم آمریکا و بسیاری از اقلیت‌های دیگر که به‌طور سنتی وابسته به دموکرات‌ها هستند، در آن زندگی می‌کنند. این منطقه، جزء مناطقی است که در آن به‌طور سنتی به دموکرات‌ها رای داده می‌شود و سینمای آمریکا هم کم‌کم چنین شکلی پیدا کرده است. اما آیا سینمای آمریکا از ابتدا این گونه بود؟

در دوران سینمای صامت، استاندارد B شامل سرفصلی با عنوان «ارائه روی پرده» مضامین و روایت‌هایی است که خود در زمرهٔ مجموعه‌ها را در برمی‌گیرد. یکی از آنها حضور الزامی یک بازیگر (حداقل یکی از نقش‌های اصلی یا بازیگران مکمل در نقش‌های مهم) از نژاد یا قومیتی است که تاکنون کمتر روی پرده تصویر شده؛ شامل آسیایی لاتین، سیاه‌پوست یومی آمریکا، آلاسکا، خاورمیانه و.... مود دیگر این سرفصل، گروه بازیگران یک فیلم است. در این مورد، حداقل ۳۰ درصد تمام بازیگران نقش‌های تانوی و نقش‌های فرعی، باید حداقل شامل دو گروه از این گروه‌ها باشند: زنان، گروه‌های نژادی یا قومی، همجنس‌بازان و آدم‌هایی با ناتوانی‌های فیزیکی یا شناختی، یا ناشنوا یا کم‌شنوا یا نابینا. در بین مناول، استاندارد B شامل سرفصلی با عنوان «رهبری خلاقانه و تیم سازی»، استاندارد C شامل سرفصلی با عنوان «دسترسی و فرصت‌ها در صنعت» و استاندارد D شامل سرفصلی با عنوان «گسترش تماشاگران» است که در آنها نیز رعایت موارد ذکرشده در زیرمجموعه‌های استاندارد A تاکید می‌شود. به عبارتی استفاده از بازیگران و گروه‌های دیگر اقلیت به‌عنوان عوامل یک فیلم هم اجباری می‌شود.

سینمای جمهوری‌خواه آمریکا در کنار جریان اصلی این کشور که امروز متعلق به دموکرات‌هاست، از پیشینه و انسجام قابل توجهی برخوردار است. همزمان با ایجاد جریان مگاهالیوود یا همان استودیوهای بزرگی که دفاتر کوچک‌تر فیلمسازی در این کشور را بلعیدند، جرقه‌های تندروی میهن‌دوستانه آمریکایی‌های سفیدپوست هم با خرمن سیاه‌ترین آفریخت و شعله کشید. این به‌دوره‌پس از جنگ جهانی اول برمی‌گردد؛ اما جمهوری‌خواهی به واقع از دهه ۳۰ میلادی بود که هر دو مؤلفه جدی‌تر شد. اولین بار در سال ۱۹۴۴ و در درست در پایان جنگ جهانی دوم بود که اتحادیه تولید فیلم برای حفظ ایدئال‌های آمریکایی، متشکل از چهره‌های جمهوری‌خواه سینمای آمریکا تشکیل شد. دوالدریگان، هنرپیشه‌ای که بعدها سناتور جمهور ایالات متحده شد، از اعضای هسته اولیه این اتحادیه بود. دالدیرنی، جان فورد، جان وین، رابرت تیلور، سیسیل بی دومیل و بسیاری از چهره‌های مشهور تاریخ سینما هم جزء این فهرست بودند. اندکی پس از تشکیل این اتحادیه، بیانیه‌ای که اصول تشکیل آن را شرح می‌داد، منتشر شد. این بیانیه اصولی چنین آغاز می‌شد که «ما به سبک زندگی آمریکایی اعتقاد و ایمان داریم» و آن آزادی‌ای که نسل‌های قبل از ما برای ایجاد و حفظش جنگیده‌اند. آزادی بیان، اندیشه، سبک زندگی، عبادت کردن، کار کردن و اداره کردن خودمان به‌عنوان افراد آزاد. حق موفقیت با شکست به‌عنوان مردمان آزاد، با توجه به اندازه گیری تواناییی و قدرت‌مان. با اعتقاد به این موارد، ما در حال شورش شدید علیه موج کمونیسم، فاشیسم و عقاید اقوام مهاجر هستیم که با استفاده از روش‌های برانداز به بنیان تضعیف و نابود کردن سبک زندگی‌اند. گروه‌هایی که حق حضور خود را در کشور ما سلب کرده‌اند.»

در ادامه این بیانیه آمده است: «ما آمریکایی‌ها به برنامه جدیدی برای ارائه نداریم. ما هیچ حرف جدیدی نمی‌خواهیم. ما فقط می‌خواهیم در برابر دشمنان خود از میراث سادمان دفاع کنیم. آن آزادی که به انسان، در این کشور، کامل ترین زندگی و ثروتمندترین بنیان جهان را داده است. سینمتی که در شرایط اضطراری کنونی، تلاشی را متحمل شده است که بیش از هر عامل دیگری پیروزی در جنگ را ممکن می‌سازد. ما به‌عنوان اعضای صنعت فیلمسازی، باید مسئولیت ویژه‌ای را متحمل شویم و پذیریم. سینما به‌طور احتمال باید نیروی یک زندگی بزرگ‌ترین نیروهای جهان برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی است؛ چه در داخل و چه در خارج از کشور. در این واقعیت یک تعهد جدی نهفته است. ما از اجازه تلاش کمونیست‌ها، فاشیست‌ها، سایر گروه‌های تمامیت‌خواه برای انحراف این رسانه قدرتمند و تبدیل شدنش به ابزاری برای انتشار عقاید غیرآمریکایی جلوگیری می‌کنیم. ما خود را متعهد می‌کنیم که با هر وسیله‌ای که با دستور سازمان یافته‌ما مطابقت دارد، با انحراف صحنه سینما از نمایش آمریکای آزاد، مبارزه کنیم.»

چنان که دیده می‌شود به‌رغم موضع‌گیری لفظی علیه فاشیسم، از سرورویی این بیانیه، فاشیسم می‌بارید. مدتی پس از تشکیل این اتحادیه، دوران سک کارتیسم در آمریکا شروع شد. سناتور سک کارتی منتخب مردم ایالت ویس کانسی نار خزب جمهوری‌خواه بود و تلاش داشت تا خطر کمونیسم را مهم‌وخیلی بزرگ‌تر از آنچه هست، جلوه دهد. برای مقابله با خطر کمونیسم در داخل کشور اداره افبی‌آی تاسیس شد

جمهوری‌خواهان و سینمای آمریکا

سینمای جمهوری‌خواه آمریکا در کنار جریان اصلی این کشور که امروز متعلق به دموکرات‌هاست، از پیشینه و انسجام قابل توجهی برخوردار است. همزمان با ایجاد جریان مگاهالیوود یا همان استودیوهای بزرگی که دفاتر کوچک‌تر فیلمسازی در این کشور را بلعیدند، جرقه‌های تندروی میهن‌دوستانه آمریکایی‌های سفیدپوست هم با خرمن سیاه‌ترین آفریخت و شعله کشید. این به‌دوره‌پس از جنگ جهانی اول برمی‌گردد؛ اما جمهوری‌خواهی به واقع از دهه ۳۰ میلادی بود که هر دو مؤلفه جدی‌تر شد. اولین بار در سال ۱۹۴۴ و در درست در پایان جنگ جهانی دوم بود که اتحادیه تولید فیلم برای حفظ ایدئال‌های آمریکایی، متشکل از چهره‌های جمهوری‌خواه سینمای آمریکا تشکیل شد. دوالدریگان، هنرپیشه‌ای که بعدها سناتور جمهور ایالات متحده شد، از اعضای هسته اولیه این اتحادیه بود. دالدیرنی، جان فورد، جان وین، رابرت تیلور، سیسیل بی دومیل و بسیاری از چهره‌های مشهور تاریخ سینما هم جزء این فهرست بودند. اندکی پس از تشکیل این اتحادیه، بیانیه‌ای که اصول تشکیل آن را شرح می‌داد، منتشر شد. این بیانیه اصولی چنین آغاز می‌شد که «ما به سبک زندگی آمریکایی اعتقاد و ایمان داریم» و آن آزادی‌ای که نسل‌های قبل از ما برای ایجاد و حفظش جنگیده‌اند. آزادی بیان، اندیشه، سبک زندگی، عبادت کردن، کار کردن و اداره کردن خودمان به‌عنوان افراد آزاد. حق موفقیت با شکست به‌عنوان مردمان آزاد، با توجه به اندازه گیری تواناییی و قدرت‌مان. با اعتقاد به این موارد، ما در حال شورش شدید علیه موج کمونیسم، فاشیسم و عقاید اقوام مهاجر هستیم که با استفاده از روش‌های برانداز به بنیان تضعیف و نابود کردن سبک زندگی‌اند. گروه‌هایی که حق حضور خود را در کشور ما سلب کرده‌اند.»

در ادامه این بیانیه آمده است: «ما آمریکایی‌ها به برنامه جدیدی برای ارائه نداریم. ما هیچ حرف جدیدی نمی‌خواهیم. ما فقط می‌خواهیم در برابر دشمنان خود از میراث سادمان دفاع کنیم. آن آزادی که به انسان، در این کشور، کامل ترین زندگی و ثروتمندترین بنیان جهان را داده است. سینمتی که در شرایط اضطراری کنونی، تلاشی را متحمل شده است که بیش از هر عامل دیگری پیروزی در جنگ را ممکن می‌سازد. ما به‌عنوان اعضای صنعت فیلمسازی، باید مسئولیت ویژه‌ای را متحمل شویم و بپذیریم. سینما به‌طور احتمال باید نیروی یک زندگی بزرگ‌ترین نیروهای جهان برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی است؛ چه در داخل و چه در خارج از کشور. در این واقعیت یک تعهد جدی نهفته است. ما از اجازه تلاش کمونیست‌ها، فاشیست‌ها، سایر گروه‌های تمامیت‌خواه برای انحراف این رسانه قدرتمند و تبدیل شدنش به ابزاری برای انتشار عقاید غیرآمریکایی جلوگیری می‌کنیم. ما خود را متعهد می‌کنیم که با هر وسیله‌ای که با دستور سازمان یافته‌ما مطابقت دارد، با انحراف صحنه سینما از نمایش آمریکای آزاد، مبارزه کنیم.»

چنان که دیده می‌شود به‌رغم موضع‌گیری لفظی علیه فاشیسم، از سرورویی این بیانیه، فاشیسم می‌بارید. مدتی پس از تشکیل این اتحادیه، دوران سک کارتیسم در آمریکا شروع شد. سناتور سک کارتی منتخب مردم ایالت ویس کانسی نار خزب جمهوری‌خواه بود و تلاش داشت تا خطر کمونیسم را مهم‌وخیلی بزرگ‌تر از آنچه هست، جلوه دهد. برای مقابله با خطر کمونیسم در داخل کشور اداره افبی‌آی تاسیس شد

ادامه از صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۱۲

۲ غول پخش آنلاین فیلم؛ یکی دموکرات و دیگری جمهوری‌خواه

هرچقدر سینما از نمایش فیلم روی پرده‌های بزرگ به‌سمت ارائه آثار در منازل پیش‌رفت، نقش کمپانی تنفلیکس هم پررنگ‌تر شد. دعوایی بین خودآهالی سینمای آمریکا وجود داشت که آیا این روند به‌طور کلی مناسب است یا نه؛ اما به هر حال تنفلیکس امروز غول بزرگی در صنعت سرگرمی جهان است. چین، رقیب جدید هالیوود که هر روز درحال پررنگ‌تر کردن نقش خود در صنعت سینماست، چندین و چند وی. او. دی بزرگ دارد؛ اما آنها درحال حاضر روی بازار داخلی خودشان کار می‌کنند و پس از آن است که امکان دارد وارد بخش صادرات شوند. پس رقیب جدید و جدی تنفلیکس را بیشتر از هر کمپانی دیگری امروز می‌توان دیزنی پلاس دانست. تنفلیکس یک کمپانی بی‌شدت دموکرات است کماین رابه‌سادگی و بدون نیاز به تحلیل‌های پیچیده هم می‌توان فهمید. درمقابل تنفلیکس، شرکت دیزنی پلاس قرار دارد که به‌عنوان جزئی از کمپانی بزرگ و قدیمی والت‌دیزنی، یعنی همان کمپانی‌ای که ارابتدا به‌جبهه جمهوری‌خواهان تمایل داشت، از لحاظ جناحی هم در نقطه مقابل تنفلیکس قابل تعریف است. دکر این نکته ضروری به‌نظر می‌رسد که جوایجادشده توسط دموکرات‌های هالیوود در سال‌های اخیر به‌قدری پرسوصدا و بزرگ بوده که جمهوری‌خواهان سینمای آمریکا با احتیاط بسیار بالا و عموما در لفافه به دفاع از مواضع خودشان می‌پردازند. پس نمی‌توان توقع داشت همان‌قدر که تنفلیکس علنی و واضح مواضعش را اعلام می‌کند، آنها هم به‌طور صریح از مواضع جمهوری‌خواهی دفاع کنند و یک جنگ داخلی در سینمای آمریکا را شاهد باشیم. به هر حال، هر دوی این کمپانی‌ها به‌دلیل شرایطی که بر اثر شیوع کروناویروس پدید آمده، طی ماه‌های اخیر یک رشد انفجاری داشته‌اند.

دیزنی پلاس

کمپانی دیزنی ۱۲ نوامبر ۲۰۱۹ (۲۱ آبان ۱۳۹۸) در ایالات متحده، کانادا و هلند سیستمی را به‌نام دیزنی پلاس راه‌اندازی کرد که یک نوع شبکه پخش استریم بر بستر اینترنت به همان سبک تنفلیکس است و مزیت‌هایی که برای رقابت با تنفلیکس روی آن تاکید شده، قیمت مناسب، دسترسی به آرشیو بزرگ دیزنی و پیکسار و البته ساسوشدن فیلم‌ها هستند. شاید برای ماخاطبان ایرانی عجیب باشد که مورد سوم، یعنی ساسوشدن فیلم‌ها یک مزیت است اما باب ایگر، مدیر دیزنی روی این تاکید کرده که دیزنی پلاس به‌طور خاص روی سرگرمی‌های خانواده‌محور متمرکز خواهد شد و هیچ محتوایی دارای درجه R یا TV-۱۷ نیست. این یعنی خبری از تاکیدات مستمر تنفلیکس روی همجنس‌بازی در سریوس‌های دیزنی پلاس نیست و خودش یک حرکت نرم جمهوری‌خواهانه است. راه‌اندازی اولیه دیزنی پلاس کمتر از دوهفته، پس از به کار افتادن اپل تی‌وی پلاس یک‌هفته بعد از دیزنی پلاس، در تاریخ ۱۹ نوامبر (۲۸ آبان) در استرالیا و نیوزیلند آغاز به کار کرد و ۳۱ مارس (۱۲ فروردین) هم در سراسر اروپای غربی که شامل انگلیس، فرانسه، آلمان، ایتالیا، اسپانیا و چند کشور دیگر منطقه‌ای می‌شود راه‌اندازی شد. از اولیل اکتبر سال ۲۰۲۰ میلادی این سرویس برای کاربران اروپای شرقی و آمریکای لاتین هم فعال‌سازی خواهد شد. البته باید توجه داشت باب ایگر، مدیرعامل شرکت والت‌دیزنی، عضو هیات مدیره شرکت اپل هم است. هشتم آوریل ۲۰۲۰ برابر با ۲۰ فروردین ۱۳۹۹، دیزنی پلاس اعلام کرد تعداد مخاطبان آن به بیش از ۵۰ میلیون مشترک جهانی رسیده، این درحالی است که تعداد مشترکان آنها تا اولیل ماه فوریه (اواسط بهمن‌ماه)، به حدود ۲۹ میلیون نفر رسیده بود و حالا دیزنی پلاس پیش‌بینی می‌کند تا سال ۲۰۲۴، بین ۶۰ تا ۹۰ میلیون مشترک در جهان داشته باشد.

تنفلیکس

تنفلیکس یک ارائه‌دهنده خدمات محتوایی است که کار خود را در سال ۱۹۹۷ به‌عنوان شرکتی که در زمینه اجاره دی‌وی‌دی به‌صورت پیشروفعال بود، آغاز کرد. آنها برای ارائه دی‌وی‌دی‌ها، روشی را ابداع کرده بودند که براساس آن از مشتریان به‌جای دریافت هزینه به‌ازای کرایه هر دی‌وی‌دی، به‌صورت ماهانه حق اشتراک دریافت می‌کردند. نتیجه این کار این شد که فروشگاه‌های اجاره ویدئو کم‌کم از میان رفتند و تا سال ۲۰۰۵، تنفلیکس حدود ۴/۲ میلیون مشتری ثابت اجاره دی‌وی‌دی به‌صورت پستی داشت. تنفلیکس در سال ۲۰۰۸ با کمپانی ال‌جی برای معرفی اولین پخش‌کننده دیسک‌های بلوری همکاری کرد و توانست برای پخش برنامه‌هایش به اینترنت وصل شود. در مدت کوتاهی تنفلیکس در کنسول‌های ایکس‌باکس، دستگاه‌های اپل و تلویزیون‌های مختلف در دسترس قرار گرفت و امروز می‌توان محصولات آن را در تلفن‌های هوشمند هم تماشا کرد. این شرکت در سال ۲۰۱۲ برای اولین بار وارد صنعت تولید محتوا شد و نخستین سریال خود را به‌نام «لیلی هامر» Lillyhammer معرفی کرد و در ادامه بخشی از سریال‌های کمپانی مارول را هم تولید کرد که موسوم به «سریال‌های مارول-تنفلیکس» هستند. براساس گزارش‌ها، در نقطه اوج تنفلیکس ۳۷ درصد از کل پهنای باند ایالات متحده را تصاحب می‌کند؛ یعنی چیزی بیشتر از یوتیوب و فیس‌بوک و آمازون و بسیاری موارد دیگر. تنفلیکس سال ۲۰۱۹ با ۱۶۷/۱ میلیون مشترک در جهان به پایان رساند که ۶ میلیون نفر از آنها در ایالات متحده بودند. پیش‌بینی می‌شد در سه‌ماهه اول سال ۲۰۲۰، مشترکانی به تعداد هفت میلیون نفر به این رقم اضافه شوند، اما کرونا باعث شد این صعود تا حدود ۱۶ میلیون نفر پیش برود. با اینکه مخاطبان تنفلیکس امروز سه‌نویم برابر دیزنی پلاس است، رشد عددی و درصدی دیزنی پلاس نسبت به آن خیلی بالاتر است؛ هرچند چشم‌انداز دیزنی پلاس برای سال ۲۰۲۴ در بهترین حالت نصف کاربران امروز تنفلیکس خواهد بود.

تعدادی از چهره‌های مشهور سینمایی که طرفدار یکی از ۲ نامزد جمهوری‌خواه یا دموکرات در انتخابات پیش‌روی آمریکا هستند

طرفداران ترامپ در سینمای آمریکا

۱- روزان بار

روزان بار (RoseanneBarr) متولد سوم نوامبر ۱۹۵۲ بازیگر، کمدین، کارگردان و تهیه کننده تلویزیونی و نویسنده آمریکایی است. او از سال ۱۹۸۵ تا به‌حال مشغول فعالیت بوده است. از فیلم‌ها یا برنامه‌های تلویزیونی او می‌توان به‌افردی مرده است: آخرین کابوس، پخش زنده شنبه‌شب، فیوچراما و نام من ال است، ببین کی داره حرف می‌زنه، شیطان مونث و نقش کارلافون در سریال اداره اشاره کرد. روزان بار برنده جایزه گلدن گلوب بهترین بازیگر زن کمدی تلویزیونی در سال ۱۹۹۲ شده است. او در توئیتر بارها به حمایت از ترامپ پرداخته است. بار در این باره می‌نویسد: «وقتی که روزانه‌نگران به من می‌گفتند لیبرال، من معمولا جواب می‌دادم که من لیبرال نیستم، من یک رادیکال هستم و هنوز هم هستم. به ترامپ رأی دادم تا از وضعیت موجود و استقرار راکد بیرون بیایم.»

۲- جان ویت

جان ویت (Jon Voight) متولد ۲۹ دسامبر ۱۹۳۸ یک هنرپیشه قدیمی آمریکایی است. او یک بار برای فیلم بازگشت به‌وطن برنده جایزه اسکار و چهار بار نامزد دریافت آن شده است. ویت همچنین چهار بار برنده جایزه گلدن گلوب شده است. او پدر آنجلینا جولی و جیم‌جون ویت است. ویت حرفایی دیدگاه‌های سیاسی لیبرال داشت و از جان اف. کندی حمایت می‌کرد. او حتی در دهه ۱۹۷۰ در کنار جین فوندا و لئونارد برنستین در حمایت از گروه چپ گرای اتحاد مردمی در شیلی ظاهر شد؛ اما در سال‌های اخیر دیدگاه‌های محافظه‌کارانه پیدا کرد. او در سال ۲۰۰۸ در مقاله‌ای در واشنگتن‌تایمز از کنشگری ضدجنگ خود در جوانی افسوس خورد و آن را نتیجه پروپاگاندای مارکسیستی خواند و مشخصا به نقض انبوه حقوق بشر در ویتنام و کامبوج در پی عقب‌نشینی خشونتی جنبش مقاومت کمونیست‌ها اشاره کرد. ویت واقعا در فضای سیاسی راست رژیم جمهوری‌خواهی حضور دارد و از ترامپ در فیلم باسم مل که اثری به‌شدت ضدترامپ بود، راضی کرد؛ حال آنکه خودش هم در این فیلم حضور نداشت.

۳- کیتی پری

کاترین الیزابت هادسن (Katheryn Elizabeth Hudson) متولد ۲۵ اکتبر ۱۹۸۴ که بیشتر با نام هنری‌اش کیتی پری (Katy Perry) شناخته می‌شود؛ خواننده، ترانه‌سرا و بازیگر اهل آمریکاست. فیلم اسموف‌ها که او در آن در نقش اسموف مطلاحرکت کرده بود در ژوئیه ۲۰۱۷ اکران شد و از نظر تجاری موفق بود، حتی مهم‌ترین آثار او در سینما هستند. کیتی پری در مورد مجموعه‌ای از سیاست‌های متمایل به چپ (اصطلاحی که آمریکایی‌ها برای حزب دموکرات به کار می‌برند) ازجمله کنترل اسلحه، حق سقط جنین برای زنان و حقوق همجنس‌بازان، مرتب صحبت می‌کند. او در سال ۲۰۱۶ با هیلاری کلینتون در مسیر مبارزات انتخاباتی ظاهر شد و حتی پیش از آن هم در راهپیمایی شماره ۴۴ دسامبر ۲۰۱۲ لباسی با شعار انتخاباتی رئیس جمهور اوباما پوشیده بود.

۴- تام هنکس

توماس جئری هنکس (ThomasJeffreyHanks) هنرپیشه، کارگردان، دوبلور و نویسنده آمریکایی است. هنکس طی‌زمان بازیگری اش ۵ بار نامزد دریافت جایزه اسکار، ۸ بار نامزد دریافت گلدن گلوب و چهار بار نامزد جایزه بفتا شده است. تام هنکس و اسپیلبرگ سیسی تنها افرادی هستند که دو دوره پیاپی، جایزه اسکار بهترین بازیگر نقش اول مرد را از آن خود کرده‌اند. تاسال ۲۰۱۲، فروش فیلم‌های تام هنکس در آمریکا ۴/۲ میلیارد دلار و در نقاط جهان نقش رقمی بالغ بر ۸/۵ میلیارد دلار بوده است و با توجه به این ارقام او یکی از پولسازترین بازیگران هالیوود به شمار می‌آید. جدا از اینکه مایکل مور، مستند ساز مارک‌دار دموکرات، خواستار حضور تام هنکس در نامزدی حزب دموکرات در سال ۲۰۲۰ شد، خود تام هنکس هم پیشنهاد را نپذیرفته است؛ اما هدایت‌کننده تبلیغات انتخاباتی رئیس جمهور سابق یعنی اوباما بود و در سال ۲۰۱۹ به جو بایدن پول داد.

۵- تیلور سوئیفت

تیلور آلیسون سوئیفت (Taylor Alison Swift) متولد ۱۳ دسامبر ۱۹۸۹ خواننده و ترانه‌سرای آمریکایی است که برای آهنگ‌های روایتی درباره زندگی شخصی‌اش شناخته می‌شود. اونخستین فیلم سینمایی‌اش را با نام «روز لوئیزیانا» در سال ۲۰۰۹ بازی کرد و پس از آن هم در سریال‌ها و فیلم‌های متعددی ظاهر شد. سوئیفت به‌عنوان خواننده هم در آثار سینمایی و تلویزیونی متعددی حضور داشته است. تیلور سوئیفت که زمانی به دلیل دوری از سیاست شناخته شده بود، در سال‌های اخیر به یکی از پرسروصداترین ستاره‌های باب طرفدار دموکرات‌ها تبدیل شده است. او از نامزدی دموکرات‌ها برای دستیابی به کرسی‌های سنا و کنگره در سال ۲۰۱۸ در ایالت تنسی که راه‌اند خود او بود حمایت کرد. در ماه مه، او دونالد ترامپ را به خاطر بارفروختن آپارتاید سفیدپوستی و نژادپرستی متکوم کرد و وعده داد که او را با رأی خود و مردم آمریکا از کاخ سفید اخراج کند.

طرفداران بایدن در سینمای آمریکا

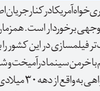

۱- لئوناردو دی کاپریو

لئوناردوویلهلم دی کاپریو (Leonardo Wilhelm DiCaprio) بازیگر و تهیه کننده آمریکایی است که کار خود را با حضور در تبلیغات تلویزیونی آغاز کرد و در ادامه به‌خاطر نقش‌آفرینی در فیلم مشهور و موفقی مثل تایتانیک، در سینما به چهره‌ای جاافتاده تبدیل شد. او همچنین در دارودسته‌های نیویورکی، تقلبی، جزیره شاتر و گرگ وال‌استریت اعتبار بسیاری کسب کرده است و تا به حال هفت بار (۶ بار برای بازیگری و یک‌بار به‌عنوان تهیه کننده) نامزد دریافت جایزه اسکار شده که برای اولین بار در سال ۲۰۱۶ برای فیلم از گور برخاسته موفق به کسب جایزه بهترین بازیگر نقش اول مرد شد. سال ۲۰۱۶ دی کاپریو میزبان یک مهمانی جمع‌آوری کمک مالی برای مبارزات انتخاباتی هیلاری کلینتون بود که در آن هر مهمان باید ۴۰۰۰۲۳ دلار کمک می‌کرد. این بازیگر طی این سال‌ها با حمایت از «حقوق زیست و انتقادات پرشور در مورد تغییرات آب و هوا که عموما در حساب توئیتر و اینستاگرام او منتشر می‌شود، به چیزهایی انتقاد کرده که ترامپ، راجع به آنها در مظان یک‌سری اتهامات است.

۲- مریل استریپ

مری لوئیز استریپ (Mary Louise Streep) متولد ۲۲ ژوئن ۱۹۴۹، بازیگر نام‌دار سینما، تئاتر و تلویزیون آمریکاست. استریپ سه مرتبه برنده جایزه اسکار و چهار بار نامزد دریافت جایزه گلدن گلوب شده است و به این ترتیب پس از کاترین هپب